

زندگی و آثار علی اشرف*

یعقوب آزند**

استاد دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۷/۱۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۰/۲۳

چکیده

درباره علی اشرف، نقاش لاک‌ی قرن دوازدهم هجری، اطلاعاتی درخور در دست نیست و آنچه هست اشارات گذرای چند منبع تاریخی است. در این مقاله با فرضیه اینکه علی اشرف، نقاش دربار نادرشاه بود و در نزد منشی و مورخ او میرزا مهدی خان استرآبادی کار می‌کرد و از شاگردان محمدعلی نقاش باشی در دربار نادرشاه بود، تلاش شد تا زندگی و آثار او از لابلای اشارات کوتاه منابع و بویژه رقم‌های او در آثار باقیمانده لاک‌ی، بازسازی نموده و تصویری مقبول و متعادل و مستند از زندگی او در نزد میرزا مهدی خان استرآبادی حامی او، پیش رو نهاده شود. از دستاوردهای قابل ملاحظه علی اشرف، مرقع میرزا مهدی خان استرآبادی است که امروزه در موزه ارمیتاژ سن پترزبورگ نگهداری می‌شود. این مرقع که حاصل کار علی اشرف و سه شاگرد اوست، دربردارنده آثاری از این چهار هنرمند و نیز پیشینیان آنها محمد زمان و علیقلی بیگ جبادار است. روش تحقیق در این پژوهش، مبتنی بر تجزیه و تحلیل آثار باقیمانده بصری و منابع مکتوب موجود با امعان نظر به سه فرآیند درهم تافتته وصف، ارزیابی و تحلیل است و جزئیات فراآمده، منجر به تصویری گویا و کل نما از زندگی هنری علی اشرف شده است.

واژه‌های کلیدی

علی اشرف، محمدعلی نقاش باشی، ز بعد محمد علی اشرف است، مرقع میرزا مهدی خان استرآبادی، نقاشی لاک‌ی.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی تحت عنوان: «دستاوردهای هنری سه نقاش قرن دوازدهم هجری» است که نگارنده در دانشگاه تهران انجام داده است. بدین وسیله از مساعدت‌های معاونت پژوهشی دانشگاه تهران قدردانی می‌شود.

** تلفکس: ۰۰۲۱-۶۶۴۱۵۲۸۲. E-mail: yazhand@ut.ac.ir

مقدمه

شدند و حکمرانی منطقه اورمیه را بدست آوردند. نادرشاه که خود از طایفه قرخلوی افشار در خراسان بود، گروهی از افشارهای اورمیه را به نواحی دیگر ایران کوچاند (استرآبادی، ۱۳۶۸، ۱۸۰-۱۷۹). نوشته‌اند که «دنبیل از محال خوی است و کوه آن در کوهستانات دیار بکراست گویا یک پارچه سنگ بیراه است و پیوستگی به کوه دیگر ندارد.. هیچ سلطانی به آن کوه و طایفه دنبیلی دست نیافته» (ضرابی، ۱۳۵۶، ۳۲۰). دنبیل طایفه‌ای از کردها بودند که در نواحی موصل مسکن داشتند. یکی از بزرگان این طایفه، سلمان خان بود که در جنگ ایران با عثمانی به کمک شاه عباس شتافت و به دلیل خدماتش به شاه عباس، حکومت خوی و پیرامون آن را بدست آورد. شهبازخان دنبیلی، در ایام شاه سلطان حسین صفوی رئیس این طایفه و حکمران خوی بود که در جنگ با سپاه عثمانی از پای درآمد و آذربایجان در اختیار عثمانی‌ها قرار گرفت تا اینکه نادرشاه در سال ۱۱۴۲ هجری وارد آذربایجان شد و سپاه عثمانی را عقب راند. او مرتضی قلی خان دنبیلی را که از بازماندگان شهبازخان بود، به بهانه‌ای کشت. ولی سپس پشیمان شد و حکومت خوی و سلماس و کردستان را به پسر او شهباز بیگ واگذار کرد. چندی بعد خانان دنبیلی در جنگ بین محمدحسن خان قاجار و کریم خان زند، طرف قاجارها را گرفتند ولی یکی از آنها یعنی احمد بیگ دنبیلی به جبهه کریم خان پیوست و از او لقب ایل بیگی گری طایفه دنبیل را دریافت کرد (گلستانه، ۱۳۵۶، ۳۲۷). کریم خان زند، احمد بیگ دنبیلی را به سبب حسن خدمت و جان نثاری به لقب خانی ملقب ساخت و حکومت ایالت خوی را به او واگذار کرد (مستوفی غفاری، ۱۳۶۹، ۲۱۴). این واقعه در حوالی سال ۱۱۶۴ هجری بود. این احمدخان از قرار معلوم ادب پرور و شاعر نواز بوده و سلوک نیک وی با ارباب ادب و هنر باعث شده، علی اشرف هم که جزو افشارهای اورمیه بوده به طرف او جذب شود. عبدالرزاق دنبیلی در کتاب خود تجربه الاحرار و تسلیة الابرار، یک جا از قصیده آذر بیگدلی استفاده می‌کند که برای احمدخان دنبیلی می‌سراید و از اصفهان به خوی می‌فرستد (۱۳۴۹، ۲۹۴-۲۸۵). سال‌های فعالیت علی اشرف را ۱۱۳۰ تا ۱۱۷۰ هجری نوشته‌اند.

اعتمادالسلطنه در کتاب المآثر والآثار خود در صحبت از آقا ابوالحسن نقاش باشی افشار ارموی اشاره‌ای دارد که حاکی از خویشاوندی این نقاش دوره قاجار با علی اشرف نقاش دوره افشاریه و زندیه است. وی می‌نویسد: آقا ابوالحسن نقاش باشی افشار ارموی «خلف استاد الله وردی نقاش بود. در صنعت نقاشی و گل و بوته‌سازی و رنگ آمیزی، مابین قلمدان‌ها و جلدهای کار او و کارهای عمش علی اشرف نقاش افشار مشهور، تمیزی ممکن نبود مگر آنکه ارقام از صاحب صنعت اعلام می‌کرد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ۲۹۶). از این اشاره، چند نکته را می‌توان استنباط کرد. اول اینکه علی اشرف، عموی آقا ابوالحسن نقاش باشی افشار ارموی بود و پیدا است که در خانواده آنها هنر و فن نقاشی موروثی بوده و از پدر و بنی اعمام به نسل‌های بعد منتقل شده است. دوم اینکه علی اشرف به طایفه افشار اورمیه تعلق داشته است. سوم اینکه برادر علی اشرف، الله وردی نیز، نقاش و در قلمدان‌سازی متبحر بوده و در شیوه رنگ روغن و آبرنگ مهارت داشته است. الله وردی، از عباس میرزای قاجار بیکره‌ای زیبا به تصویر کشیده و در آن از رقم «شبیبه نایب السلطنه عباس میرزا دام اقباله، رقم کمترین الله وردی افشار ۱۲۳۶» استفاده کرده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ۸۴/۱). نکته دیگری که درباره علی اشرف ابراز شده، اینست که وی در نزد احمدخان دنبیلی، حاکم خوی و چند تن از اعضای طایفه افشار احترام داشته و برای آنها کار می‌کرده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ۲۱/۱). برای شناخت دوره علی اشرف و اینکه احمدخان دنبیلی چه کسی بود، نگاهی هر چند کوتاه به زمانه علی اشرف می‌اندازیم و از لابلای اطلاعات جسته و گریخته منابع، به بازسازی نسبی دوره او می‌پردازیم. افشار نام طایفه‌ای بزرگ از اقوام ترک‌زبان ایران است که سرزمین اصلی آنها دشت قبچاق بوده و طبق منابع تاریخی، گروهی از آنها در اواخر دوره سلجوقی وارد ایران شدند و نخست در خوزستان اقامت گزیدند، و بعدها بویژه از دوره صفوی به بعد در وقایع تاریخی دخالت کردند و بتدریج به نواحی دیگر کوچیدند. از جمله مناطقی که آنها سکنی گزیدند، آذربایجان بود که در اطراف اورمیه استقرار یافتند. افشارها در دوره صفوی منشأ خدماتی

۱- استاد علی اشرف

عامه مردم بویژه در بین طبقات مذهبی جامعه، تصویرسازی و نقاشی بنا، به محدودیت کلامی و مذهبی حاوی عنصری از حرمت بود و پیکرسازی انسانی و حیوانی با ضوابط مذهبی تفسیر می‌شد و زنجیره دراز دامنی از تحریم‌ها و تحدیدهای مذهبی را پشت سر داشت. پدیداری تغییر و تحول در پسندهای روز، خاصه در ارتباطات جهانی، از مکتب نگارگری اصفهان شروع و هنرپروری

از راقمه علی اشرف می‌توان به نام استاد او رسید و به تقریب او را شناسایی کرد. رقم علی اشرف در اکثر آثار خود به قرار زیر است: «ز بعد محمد، علی اشرف است.» در توضیح این رقم باید گفت که این نوع رقم‌زنی، از مکتب نگارگری اصفهان شروع شد و آن زمانی بود که هنرمند می‌خواست آثار هنری‌اش افزون بر نزد درباریان، در بین عامه مردم هم از اقبال عمومی برخوردار شود. گفتنی است

دربار را برای تهیه تصاویری از صحنه‌های رزم و بزم و شکار با خود می‌بردند. پیداست محمدعلی بن ابدال بیک نقاش باشی که نوه علی‌قلی بیک جبادار، نقاش فرنگی ساز دوره صفوی بوده، در این اردوکنشی حضور داشته و شاهد مثالش تابلوهایی است که وی برای تاریخ جهانگشای نادری کشیده است.

اگر رقم «ز بعد محمدعلی اشرف است» را، نه با مفهوم مذهبی، بلکه با در نظر گرفتن زنجیره استاد شاگردی بخوانیم، جمله «ز بعد محمدعلی، اشرف است»، از آن مستفاد می‌شود. این محمدعلی می‌تواند به دو نفر از نقاشان برجسته فرنگی ساز دربار صفوی در نیمه اول سده یازدهم هجری اشاره داشته باشد: ۱- محمدعلی بن محمدزمان. وی فرزند محمدزمان نقاش برجسته‌ی فرنگی ساز دربار صفوی در نیمه اول سده یازدهم هجری بود. از او قلمدانی در دست است که در سال ۱۱۱۲ هجری آن را کار کرده و طبق رقمی که در آن زده، محمدزمان را مرحوم نوشته پیداست که پدرش محمدزمان در سال ۱۱۱۲ و یا پیش از آن در گذشته است (Diba, 1989, 149). در مورد زندگی محمدعلی بن محمدزمان در منابع اشاره‌ای نداریم ولی دست کم پنج اثر رقم دار از او در دست است که تاریخ تولید آنها بین سال‌های ۱۱۱۱ تا ۱۱۳۳ هجری است. او با سبک پدرش کار می‌کرده و بعضی از آثار مرقع موجود در موزه ارمیتاژ را می‌توان به او نسبت داد. یکی از نگاره‌های او، سلام نوروزی شاه سلطان حسین است که آن را در سال ۱۱۳۳ هجری با آبرنگ کار کرده و امروزه در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود (Canby, 1993, 116). محمدعلی بن ابدال بیک، نقاش باشی دربار شاه طهماسب دوم و نادرشاه؛ وی نوه علیقلی جبادار فرنگی ساز دربار صفوی بود. محمدعلی به احتمال زیاد نگارگر اصلی نگاره‌های تاریخ جهانگشای نادری تالیف میرزا مهدی خان استرآبادی منشی و مورخ نادرشاه است. این نسخه، احتمالاً برای میرزا مهدی خان و یا به سفارش او تهیه شده است. میرزا مهدی خان پس از مرگ نادرشاه در صدر دیوانخانه قرار گرفت و بقایای کارخانه سلطنتی نادرشاه را تحت مدیریت خود درآورد. آذربایگانی از محمدعلی بن ابدال بیک، به نیکی یاد می‌کند و می‌نویسد که نقاش باشی طهماسب میرزای دوم و بعدها نقاش باشی نادرشاه بود و در فن تصویرسازی و نقاشی، یگانه آفاق؛ در سال ۱۱۷۲ هجری که دچار ضعف باصره شده بود در مازندران چشم از جهان فرو بست (بیگدلی، ۱۳۷۸، ۶۲۸؛ مستوفی غفاری، ۱۳۶۹، ۴۳۹).

گفتنی است که یکی از این دو محمدعلی و یا هر دو، استاد علی اشرف بوده‌اند. چون از نظر زمانی هر دو همزمان با علی اشرف هستند. محمدعلی بن محمدزمان، در نقاشی لاک‌ی مهارت و استادی داشته و شگردها و اصول این نقاشی را به علی اشرف یاد داده و دریچه درک نقاشی لاک‌ی را به روی او گشوده است. محمدعلی بن ابدال بیک نقاش باشی هم برای حضور علی اشرف در دربار طهماسب میرزا و بویژه نادرشاه نقشی درخور داشته است و بعید نیست که در معرفی علی اشرف به میرزا مهدی خان استرآبادی از برای ترتیب مرقع خط و نقاشی برای او (مرقع ارمیتاژ) موثر بوده باشد. از آنجا که محمدعلی بن ابدال بیک نقاش باشی، رسماً

از انحصار دربارها خارج شد و شماری از طبقات اجتماعی را نیز در بر گرفت. هنرمندان برای مقبولیت اثر هنری‌شان و نیز تفسیر هنجارهای مذهبی پیشین، کلید را در رقم‌زنی‌های خود یافتند و رقم خود را با نام یکی از انبیاء و اولیا پیوند زدند و آن را با ابهامی همراه کردند که هم نام اولیاء و انبیاء را در برداشت و هم اشاره بر زنجیره استاد - شاگردی آنها می‌کرد. مثلاً شفیع عباسی (فرزند رضا عباسی) که از نقاشان برجسته گل و مرغ ساز بشمار می‌رفت، از رقم «محمد شد شفیع هر دو عالم» استفاده کرد که هم اشاره بر حضرت محمد (ص) داشت و هم نام خود «محمد شفیع»؛ و یا محمد زمان از رقم «یا صاحب‌الزمان» بهره گرفت و هرچه زمان می‌گذشت این رقم‌ها پخته‌تر و هنرمندانه‌تر و پرمفهوم‌تر می‌شد. چنانکه رقم علی اشرف یعنی «ز بعد محمد، علی اشرف است»، علاوه بر زیبایی کلام، دو ابهام را در خود نهفته دارد: یکی مفهوم مذهبی آن که پس از حضرت محمد (ص) که اشرف مخلوقات بود، علی (ع) اشرف مخلوقات است. دیگری مفهوم استاد- شاگردی آنست که پس از محمد، علی اشرف، به استادی رسیده است. اما در این معنا و مفهوم، محمد کیست که استادی علی اشرف را به عهده داشته و علی اشرف در نزد او هنر نقاشی را فرا گرفته است؟

در این باب نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. جولیان رابی، به چهار نفر اشاره می‌کند که یکی از آنها احتمالاً سمت استادی علی اشرف را داشته است: ۱- محمدعلی نقاش باشی؛ ۲- محمد زمان؛ ۳- محمدعلی بن محمدزمان؛ ۴- حاجی محمد برادر محمدزمان. رابی، دوره فعالیت علی اشرف را بطور مسلم از دهه ۱۱۴۰ هجری به بعد می‌داند. معتقد است از آنجا که در زمره آثار محمدعلی نقاش باشی، هیچ نقاشی گل و مرغ و یا لاک‌ی دیده نمی‌شود، لذا نمی‌تواند سمت استادی علی اشرف را داشته باشد که بیشتر به نقاشی لاک‌ی و گل و مرغ شهرت دارد (رابی، ۱۳۸۶، ۵۴-۵۳). از اینها گذشته، دوران شکوفایی این دو همزمان بوده و تقریباً همزمان از دنیا رفته‌اند. جولیان رابی احتمال داده که محمدزمان و یا حاجی محمد برادر او و یا محمدعلی فرزند او سمت استادی علی اشرف را داشته است چون هر سه در نقاشی لاک‌ی مهارت داشته‌اند ولی تشخیص اینکه کدامیک استاد او بوده‌اند، مشکل می‌نماید. بویژه که محمدزمان پیش از سال ۱۱۱۲ هجری از دنیا رفته است (همان، ۵۴).

کریم‌زاده تبریزی معتقد است که یا محمدزمان استاد علی اشرف بوده و یا فرزند او محمدعلی که در بین سال‌های ۱۱۲۰ و ۱۱۴۰ هجری فعالیت داشته است. وی سپس می‌نویسد از نحوه کار و شیوه آرایش و سایر نکات هنری علی اشرف پیداست که «از سرچشمه هنر متعالی آن پدر و پسر بهره‌ها برده» و شاگردی آنها را کرده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ۳۶۹/۲). پیش‌تر گفته شد که علی اشرف از طایفه افشار اوریه بود که از فرار معلوم نوجوانی خود را در نزد حکمرانان دنبلی کار کرده و هنگامی که نادر در سال ۱۱۴۲ هجری برای راندن عثمانیان وارد آذربایجان شده، تحت حمایت منشی نادر یعنی میرزا مهدی خان استرآبادی قرار گرفته است. می‌دانیم که حکمرانان در اردوکنشی‌های خود، معمولاً نقاش باشی

فراز آورد. شاید یکی از دلایلی که از سده دوازدهم هجری به بعد، اقبال عمومی را به آثار لاکی جلب کرده، انطباق آن با پسند عامه مردم و بازآفرینی فضاهای زیستی آشنا برای آنها بر روی آثار لاکی و از جمله خصوصیات تزئینی و کاربرد رنگ‌های نشاط‌انگیز مورد پسند اهل زمانه بوده باشد. نقاشی لاکی بر روی آثار لاکی تقریباً تمامی سلاقی از عالی تا ادنی را ارضا می‌کرده است. می‌دانیم که در سده‌های یازده و دوازدهم هجری و حتی پیش از آن، فراگیری علم و دانش بیشتر در اختیار طبقات قدرت مدار جامعه، از درباریان تا تاجران و بازرگانان و نیز اهل قلم بوده که جزو خادمان این صاحبان ثروت و قدرت محسوب می‌شدند. از این رو، ساختن قلمدان‌های زیبا می‌باید مورد پسند خبرگان قرار می‌گرفت چون در انحصار استفاده آنها بود. قلمدان را به شکل مستطیل و دراز یا دو انتهای قوسی و یا حتی راست و با پهنای کمتر که قابلیت جا دادن دوات، چند قلم نی و قلم مو، چاقو، چاقوی قلم تراش و قط زن و دیگر خرده‌ریزها را داشته باشد، می‌ساختند. قلمدان‌ها معمولاً سرپوشی هم داشت که کشویی بود و یا با لولا و زنجیر به بدنه آن وصل می‌شد. سطوح قلمدان و گاهی سطح داخلی آن، با انواع نقوش تزئین می‌یافت. برای ساختن قلمدان‌ها و سایر رسانه‌های نقاشی لاکی، معمولاً از خمیر کاغذ (یا پایپه ماشه) استفاده و با شیوه خاصی آن را برای نقاشی آماده می‌کردند. شیوه نقاشی لاکی که از محمد زمان و علیقلی جباردار شروع شد، توصیفی واقعی نما و طبیعی و دقیق و ریزنگارانه از مظاهر طبیعت - گل و مرغ و بوته و حشرات - و عاری از هرگونه روایت بود. در این شیوه که ریشه در فرنگی سازی دوره صفوی داشت، ترکیب بندی‌های گوناگونی از صحنه‌های زندگی ایرانی و فرنگی پدید می‌آمد که بر روی قلمدان‌ها، صندوقچه‌ها و جعبه‌ها و قاب آینه‌ها و حتی سطح کمان‌ها

نقاش باشی دربار شاه تهماسب دوم و بعدها نادرشاه بوده، و فرزند محمدعلی یعنی محمدباقر هم از شاگردان علی اشرف محسوب می‌شده، حدس قریب به یقین آنست که وی استاد علی اشرف بوده باشد. قرائن دیگر نیز این نکته را به ثبوت می‌رساند.

بهر حال آنچه مسلم است اینست که خود محمد زمان که بعضی از هنرپژوهان به استادی او بر علی اشرف تاکید ورزیده‌اند، به دلیل اینکه در سال ۱۱۱۲ هجری یا پیش از آن از دنیا رفته، نمی‌تواند سمت استادی او را که زاده و پرورده دهه دوم سده دوازدهم هجری است داشته باشد.

۲- کارستان هنری علی اشرف

پیشینه نقاشی لاکی یا روغنی تا به روزگار مغولان عقب می‌رود و اختراع جلد لاکی را به تعبیری به مولانا قوام‌الدین تبریزی نسبت داده‌اند که بعدها با حضور خود در مکتب هرات، این شیوه را بسط و گسترش داد. این شیوه در دوره صفوی ماهیت نقاشانه به خود گرفت و زیباترین جلدها را با ماهرانه‌ترین نقش پردازی‌ها پدید آورد. نقوشی مشتمل بر گل‌های ختایی و اسلیمی، گرفت و گیر حیوانات، تفریح و تفرج درباریان، مناظر طبیعی و گل و بوته و مرغان بر روی جلدهای نسخه‌ها ظاهر شد و معیارها و ضوابط نقوش لاکی ادوار بعد را فراهم ساخت. از سده یازدهم هجری به بعد (یعنی از دوره شاه عباس اول = ۱۰۳۷-۹۹۵ هـ.)، حضور اشیای لاکی در دربار و جامعه ثبت تاریخ شد. قاب آینه، قلمدان، جعبه جواهر، قاب‌های تخته‌ای و درهای منقوش با شیوه نقاشی لاکی تولید گشت و در کنار جلدسازی‌های هنرمندانه لاکی، سبک و مکتب جدیدی از نقاشی نگارگری ایران را



تصویر ۲- قاب آینه، کار علی اشرف، با رقم «رقم کمترین علی اشرف ۱۱۶۶»، مجموعه ناصر خلیلی، لندن.



تصویر ۱- قاب آینه، کار علی اشرف، با رقم «ز بعد محمد علی اشرف است»، مجموعه ناصر خلیلی، لندن.

(خلیلی / رابی، ۱۳۸۶، شماره ۵۷، ۴۳). قلمدان دیگری با تاریخ ۱۱۶۱ هجری و رقم «ز بعد محمد علی اشرف است» که در آن داستان معروف شیخ صنعان و دختر ترسا تصویربرداری شده است. سهم شیوه فرنگی سازی در این تصویر، بویژه صورت پردازی دختر ترسا، چشمگیر است (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶/۱، ۳۷۱). یک قلمدان دیگر از علی اشرف که در موزه رضا عباسی نگهداری می شود، رقم و سال «ز بعد محمد علی اشرف است، ۱۱۶۴» را دارد. شکل قلمدان، تابوتی با نقشی زیبا و چشم نواز از گل و مرغ است. یک قلمدان گل و مرغی دیگر که گل های در هم فشرده ای در زیر قلمدان به رنگ سرخ طلایی دارد. رقم مشابهی را در خود ثبت کرده که در سال ۱۱۶۸ هجری تولید شده است (همان، ۳۷۱/۱). قلمدان های دیگر از علی اشرف در مجموعه های خصوصی نگهداری می شود. یکی از این قلمدان ها که در بردارنده رقم «ز بعد محمد علی اشرف است» است، با شماره ۱۹۱۲-۲۱ در موزه تاریخی برن در سوئیس نگهداری می شود. بر روی این قلمدان هم، نقش گل و مرغ همراه با گل های متنوع دیگر تصویر شده است (Robinson, 1993, 269-70).

قلمدان دیگری که علی اشرف کار کرده، دارای شکل تابوتی است که به مرغش قهوه ای رنگ تصویر شده و «ریسه گل های تزئینی منظم در محدوده جداول درشت و ضخیم طلایی است. در داخل ترنج های متنوع و مذهب آن، خطوطی به شیوه رقاعی و در وصف هنر خط که از فرمایشات حضرت علی (ع) نقل شده بود. به شیوایی و قدرت تمام و رنگ های گوناگون نقش بسته بود» (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶/۱، ۳۷۱). رقم این خطوط به قرار زیر بود «العبداحمد النیریزی فی ۱۱۴۴». پیداست که نقش گل ها و رسم جداول طلایی و تسطیح مرغش قلمدان، به عهده علی اشرف بوده و کتابت خطوط را هم احمد

جلوه می یافت. انسان هایی با پوشش های اروپایی و نشسته بر روی مهتابی های باغ ها. مناظر مه آلود با کلبه های روستایی شیروانی دار، ابرهای پیچان آسمان با گل های از پرندگان در حال پرواز و با شگرف ژرفنمایی اروپایی، بناهایی با هویت نه چندان ایرانی، دورنماهایی با انبوه درختان و درختانی دوتایی سر به آسمان کشیده، تپه های تخته سنگی، دلدادگان با ندیمان و خنیاگران در دیدار با پیران سفید موی، صحنه هایی از داستان های شیخ صنعان و دختر ترسا، خسرو و شیرین و یوسف وزلیخا و سایر ماجراهای عاشقانه، جملگی از مضامین و موضوعات و جلوه های نقاشی لاکی بودند (دیبا، ۱۳۷۴، ۲۴۴).

الف- قلمدان نگاری

از علی اشرف، قلمدان های زیادی باقی مانده که در موزه ها و مجموعه های خصوصی ایران و جهان پراکنده شده است. از قلمدان نگاری های شناخته شده و بازمانده از او که در منابع بدان ها اشاره رفته، می توان آثار زیر را یاد کرد. یک قلمدان زیبا از علی اشرف، قلمدانی است به تاریخ ۱۱۵۸ هجری و رقم علی اشرف که بر روی آن تصویر شاهزاده خانمی در زیر درخت پر شاخ و برگ و گل نقش بسته و در زیر پای او هم منظره روزخانه و مرغابی دیده می شود و کناره های قلمدان هم آکنده از گل های گوناگون است (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶/۱، ۳۷۲). قلمدان مرغشی قرمز رنگ با نقش گل و مرغی زیبا و چشم نواز با رقم و سال: «ز بعد محمد علی اشرف است، ۱۱۵۹ هجری». قلمدانی به تاریخ ۱۱۶۰ هجری، آکنده از گل های گوناگون و ترنج بیضی شکل در وسط با نقش گل و مرغ و دو ترنج ریزنقش بیضی شکل در بالا و پایین رویه قلمدان که در ترنج فوقانی «ز بعد محمد» و در ترنج تحتانی «علی اشرف است» آمده است



تصویر ۴- قلمدان به شیوه علی اشرف، مجموعه ناصر خللیلی، لندن.



تصویر ۳- قلمدان، کار علی اشرف، مجموعه ناصر خللیلی، لندن (با رقم ز بعد محمد علی اشرف است).

۱۱۵۳»، در موزه سلطنتی اسکاتلند ادینبارو نگهداری می‌شود (به شماره ۳۱). روی قاب این آینه، ترنج بیضی شکلی جای گرفته و حواشی آن مملو از گل‌های ریز است و در داخل ترنج، گل‌های ریز و درشت همراه بلبلی نقش بسته و رقم نقاش در بخش فوقانی ترنج ثبت شده است (دیبیا، ۱۳۷۴، ۲۴۵). از جمله قاب‌های آینه دیگر علی اشرف، قاب آینه‌ای است با تاریخ ۱۱۶۶ هجری و «رقم کمترین علی اشرف». از این رقم پیداست که علی اشرف در دربار کار می‌کرده و این قاب آینه را برای یکی از زنان درباری کار کرده است. پشت و روی این قاب، آکنده از گل‌های درشت، پروانه‌ها و مرغان است و در داخل درپوش آن، پیکره زنی گل بدست با جامه زربفت گرانبها و سربند مرصع نقش بسته است. این قاب آینه هم در زمره آثار مجموعه خصوصی ناصر خلیلی است (رابی، ۱۳۸۶، ۷۱).

کریم‌زاده تبریزی، خبر از یک قاب آینه دیگری می‌دهد که دارای رقم و سال «ز بعد محمد علی اشرف است، ۱۱۶۹» است و در سال ۱۹۷۶ میلادی در حراجی ساتی به فروش رفت. روی و پشت این قاب آینه هم، آکنده از نقوش زیبای گل‌های درشت و ریز و مرغان روی شاخه‌ها بوده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ۳۷۲/۱).

حال که صحبت از نقاشی‌های قاب آینه علی اشرف است، باید از سه قاب آینه او نیز یاد کرد که در لندن نگهداری می‌شود. به یکی از قاب‌ها که تاریخ ۱۱۵۳ هجری و رقم علی اشرف را دارد و در اسکاتلند محفوظ است، پیش‌تر اشاره شد. دومی به تاریخ ۱۱۶۰ هجری و رقم «ز بعد محمد علی اشرف است» به شماره ۱۸۷۶-۷۵۸، در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود. سومی به تاریخ ۱۱۶۹ هجری و رقم «ز بعد محمد علی اشرف است» متعلق به مجموعه جان پاپ هنسی^۱ در لندن است. بر روی و پشت و داخل درپوش این قاب‌های آینه، آکنده از تصاویر مرغان و گل‌های سرخ و انواع گل‌های ریز نقش با رنگ‌های گوناگون است (Robinson, 1993, 269).

در موزه ارمیتاژ روسیه نیز، دو قاب آینه زیبا از علی اشرف وجود دارد که یکی در بردارنده سال و رقم «ز بعد محمد علی اشرف است،

نیریزی خطاط بلندآوازه سده دوازدهم هجری انجام داده است. این قلمدان، از نظر تاریخی اهمیت دارد چون احمد نیریزی در این ایام در اصفهان اقامت داشته و می‌دانیم که وی از کاتبان برجسته دربار شاه سلطان حسین بوده و لقب و رقم «سلطانی» را از او دریافت کرده بود (بیانی، ۱۳۶۳، ۲/۱۰۳۰). او بعدها خدمت خود را در اصفهان ادامه داد و به خدمت طهماسب میرزای دوم فرزند شاه سلطان حسین درآمد. پیداست که وی در سال ۱۱۴۴ هجری در اصفهان اقامت داشته و بالاتر از همه، اقامت علی اشرف در اصفهان در این تاریخ است و معلوم می‌کند که وی همراه طهماسب میرزا در سال ۱۱۴۳ هجری از آذربایجان به اصفهان آمده و در اینجا به فعالیت هنری پرداخته است که محصول این فعالیت، یکی همین قلمدان است که کتیبه آن را میرزا احمد نیریزی و نقاشی آن را علی اشرف اجرا کرده است.

ب- قاب آینه

یکی دیگر از زمینه‌های فعالیت هنری علی اشرف، نقش‌پردازی قاب‌های آینه بوده است که امروزه شماری از آنها در مجموعه‌ها و موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود. اصولاً قاب‌های آینه علی اشرف، شکل هشت گوش دارد و از جمله آنها که در سال ۱۱۵۲ هجری کار شده و رقم «ز بعد محمد علی اشرف است» دارد، قاب آینه‌ای است هشت‌گوش که جزو مجموعه خصوصی کریم‌زاده تبریزی است. در سه رویه این قاب، تصویر شماری از گل‌ها و مرغان با شیوه «پرداز» ریز غبار نقش بسته و مهارت علی اشرف را در این شیوه به ثبت رسانده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ۳۷۲/۱). یک قاب آینه دیگر که در مجموعه ناصر خلیلی محفوظ است و رقم و سال «ز بعد محمد علی اشرف است، ۱۱۵۲» را دارد، با نقوش زیبای گل و مرغ تزئین یافته است. تزئینات گل و مرغی این قاب آینه مشتمل بر روی و پشت و داخل درپوش است و با شیوایی و زیبایی تمام اجرا شده است (رابی، ۱۳۸۶، ۶۹ و ۶۸).

یک قاب آینه دیگر با سال و رقم «ز بعد محمد علی اشرف است،



تصویر ۶- رویه داخلی درپوش قاب آینه یاد شده.



تصویر ۵- رویه بیرونی سمت راست قاب آینه، به شیوه علی اشرف، مجموعه ناصر خلیلی، لندن.

نیز به کار می‌افتد و طی ابیاتی، جلوه‌های فرح‌انگیز آن را وصف می‌کند و برای صاحب آن یعنی میرزا مهدی خان، آرزوی کامرانی می‌نماید. قسمت داخلی این جلد به سه ترنج میانی و حواشی تقسیم می‌شود و گل و مرغ زیبا و چشم‌نوازی در آن تصویر شده است.

مرقع میرزا مهدی خان استرآبادی

می‌دانیم که علی اشرف همراه شاگردش محمدهادی، مرقع سال ۱۱۴۷ هجری را که امروزه در موزه ارمیتاژ نگهداری می‌شود، برای میرزا مهدی خان منشی استرآبادی مورخ دربار نادرشاه ترتیب داد و جلد گل و مرغی بزرگ این مرقع را به نحوی زیبا و دلنشین اجرا کرد. اگر این نکته را بیشتر بسط بدهیم به این نتیجه می‌رسیم که علی اشرف، پیش‌تر در فاصله زمانی که نادرشاه در سال ۱۱۴۳ هجری آذربایجان را از دست عثمانیان گرفت و در سال ۱۱۴۸ هجری در دشت مغان اعلام سلطنت کرد به اردوی او پیوسته و در نزد میرزا مهدی خان که فردی هنرپرور بود، مقرب شده و مدتی برای وی کار کرده و بعدها پس از برافتادن افشاریه و برآمدن زندیه در نزد احمدخان دنبلی به کار پرداخته است. بهر تقدیر، مرقع ارمیتاژ در اوج حکومت افشاریه تنظیم شده و جلد آن را، علی اشرف و محمدهادی کار کرده‌اند و پیوسته که او پیش از ورود به خدمت احمد دنبلی خان، برای هنرپروران افشاریه کار می‌کرده است (Diba, 3-152, 1989). علی اشرف از آنجا که طبع شعر هم داشته در حواشی جلد اشعاری قید کرده و ابیات را طوری ترتیب داده که هر بیت آن، بیان‌کننده سال ۱۱۴۷ هجری یعنی خاتمه جلد مرقع است که با حروف ابجد مشخص می‌شود. ابیات این جلد به ترتیب زیر است:

ای نکو طلعت مرقع نام ۱۱۴۷	که شد از جلوه شهره در ایام ۱۱۴۷
نیست نازش ز دلبری بیجا ۱۱۴۷	نازیننی است چون نشاط افزا ۱۱۴۷
گاه از حسن خط جلاده چشم ۱۱۴۷	گه به حرفه عیان مشابه چشم ۱۱۴۷
گه قرین چار سطری از هر سو ۱۱۴۷	طور او چون بتان چار ابرو ۱۱۴۷
گر نماید به چشم تجربه بین ۱۱۴۷	پس هم قطع ها چون خلد برین ۱۱۴۷
قلم از وصف خط کند ز بنان ۱۱۴۷	صفحه را از بنفشه گل ریزان ۱۱۴۷
بسته از جان و دل به هر سویش ۱۱۴۷	برقیعی با ز جلد برویش ۱۱۴۷
برقعش نیز آنکه بگشاده ۱۱۴۷	جان به تصویر ساده‌اش داده ۱۱۴۷
مالکش وقع دولت و اقبال ۱۱۴۷	در شهوار عین بحر کمال ۱۱۴۷
فلک عزو منزلت را بدر ۱۱۴۷	صدره اما فزون ز آتش قدر ۱۱۴۷
زینت افزای مجلس از دولت ۱۱۴۷	میرزا مهدی آن ملک فطرت ۱۱۴۷
آن گرامی که از کمالاتش ۱۱۴۷	عالم پیر محو حالاتش ۱۱۴۷
وصف کلکش چو نیست حد زبان ۱۱۴۷	کلک افسرده شد بکسر لسان ۱۱۴۷
یافت اتمام چون به یمن احد ۱۱۴۷	کلک خادم به عزم سحر آمد ۱۱۴۷
از بی ضبط و اصل زمان ۱۱۴۷	دان زهر مصرع از حساب نشان ۱۱۴۷
باد چون خط به ماه چهره بار ۱۱۴۷	صاحبش راه کامرانی کار ۱۱۴۷

بتاریخ ذیحجه سنه ۱۱۵۷ است. این قاب آینه مستطیل شکل را حاشیه‌بندی پراز گل‌های گوناگون تزیین کرده و در متن قاب، یک ترنج درشت با گل‌های تقریباً انتزاعی و دو ترنج کوچک فوقانی و تحتانی حاوی رقم هنرمند و سال اجرای اثر نقش بسته است. دومی، قاب آینه هشت گوش است با رقم «ز بعد محمد علی اشرف است» ماه شعبان سال ۱۱۷۰ هجری. روی این قاب را، گل‌های زیبای گوناگون با رویکردی طبیعت‌گرایانه تزیین کرده و در پشت آن، گل‌های انتزاعی آفتابگردان آمده است (آدامووا، ۱۳۸۶، ۱۸-۲۱۷).

ج- جلد و جعبه

پیدا است که علی اشرف در کارستان هنری خود، از رسانه‌های مختلف هنری استفاده می‌کرده است. از جمله این رسانه‌ها، نقش‌اندازی بر روی جعبه‌ها نیز بوده است. از این جعبه‌ها بیشتر برای نگهداری جواهرات استفاده می‌کردند. در مجموعه خصوصی ناصر خلیلی، جعبه‌ای وجود دارد که به سال ۱۱۶۰ هجری توسط علی اشرف نقش‌پردازی شده و روی آن رقم «ز بعد محمد علی اشرف است» ثبت گردیده است. روی این جعبه، نقوش گل‌های زیبا و تا حدودی انتزاعی داخل یک دایره دیده می‌شود و حواشی دایره هم با دو دایره تزیینی آکنده از گل‌ها آدین بسته است و رقم هنرمند در ترنجی هشت گوش در وسط دایره آمده است (رابی، ۱۳۸۶، ۵۹ و ۶۰). از اینها گذشته، علی اشرف در جلدآرایی بسیار توانمند بوده و همواره در جهت نوآوری و تکامل کارش می‌کوشیده است. یکی از این جلد‌ها، جلد قرآنی بوده با نقش گل و مرغ و در کمال زیبایی و لطافت که ظاهراً از کارهای اولیه علی اشرف محسوب می‌شده است. چون در رقم آن سال ۱۱۳۵ هجری بعد از رقمش یعنی «ز بعد محمد علی اشرف است» ثبت شده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ۱/۳۷۱). یکی از شاهکارهای علی اشرف، ساختن جلدی برای مرقع میرزا مهدی خان استرآبادی منشی نادرشاه بوده است که در سال ۱۱۴۷ هجری به انجام رسید و آثار داخلی مرقع نیز در سال ۱۱۵۱ هجری رقم خورد. در این مرقع، علاوه بر قریحه هنری علی اشرف که در ساختن جلد و نقش‌پردازی آن به نحوی احسن امکان ظهور می‌یابد، طبع شعرا و



تصویر ۷- روی جعبه، کار علی اشرف با رقم «ز بعد محمد علی اشرف است»، مجموعه ناصر خلیلی، لندن.

مذهبی را دربردارد و هم اشاره بر شاگردی اش در نزد علی اشرف می‌کند. آقا صادق همان نقاشی است که دو صحنه عظیم از نقاشی‌های دیواری چهلستون یعنی جنگ چالدران (بین شاه اسماعیل و سلطان سلیم عثمانی) و جنگ کرنال (بین نادرشاه و محمدشاه گورکانی) را ظاهراً به دستور آقا محمدخان اجرا کرده است (Texier, 1852, 124). آقا صادق، جنگ نادر با عثمانیان را نیز که در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود، نقاشی کرد. از او آثار زیادی به صورت نقاشی لاک‌ی و رنگ روغن و غیره در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی وجود دارد. از قرار معلوم، محمد هادی هم از محضر علی اشرف بهره‌ها گرفته و چندی را در زنجیره شاگردی او سپری کرده است. رقم سجع دار او «هادی از لطف علی اشرف شد» بود که اشاره بر شاگردی وی در نزد علی اشرف می‌کند. رقم دیگر او چنانکه در بالا اشاره شد، «صنع محمد ز علی اشرف است» در یکی از آثار او بکار رفته است.

علی اشرف، فرزندى به نام رضا داشت که او نیز حرفه پدر را پی‌گرفت و از نقاشان نامدار نقاشی لاک‌ی زمانه خود بود. در قلمدانی که پیشتر جزو مجموعه گادمن^۲ بود و امروزه در کتابخانه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود و مربوط به سال ۱۲۱۷ هجری است رقم «ز صلب علی اشرف آمد رضا» ثبت شده است (Diba, 1989, 149). در مجموعه خصوصی کریم‌زاده تبریزی هم قلمدانی با نقش گل و مرغ وجود دارد که در آن، رقم «رضابن علی اشرف مرحوم» ۱۲۰۲ ثبت شده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶/۱، ۳۶۹). شاید از کلمه «مرحوم» که در این رقم آمده، بتوان دریافت که علی اشرف در سال ۱۲۰۲ هجری به تازگی و یا چند سال پیش از این تاریخ رخ در نقاب خاک کشیده بوده است و فرزندش محض احترام به پدر، آن را در رقمش ذکر کرده است.

بخش داخلی جلد زمینه ساده دارد و در داخل سه ترنج مختلف گل و مرغ زیبایی تصویر شده و از بهترین آثار علی اشرف به حساب می‌آید (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶/۱، ۳۷۳-۳۷۲؛ Akimushkin and Ivanov, 1962, 8).

۳- شاگردان و پی‌سپاران علی اشرف

از رقم چند تن از نقاشان دوره علی اشرف می‌توان پی برد از شاگردان و یا از پی‌سپاران او بوده‌اند. یکی از آنها محمد نقاش است که نام علی اشرف را در رقم خود ذکر کرده است یعنی «صنع محمد ز علی اشرف است» و بدین ترتیب هنر خود را از علی اشرف، استادش، دانسته است. این نقاش، کسی جز محمد هادی نیست که سجع رقمش را از نام اولش «محمد» گرفته است. شاگرد دیگر او آقا باقر و یا محمد باقر است که خود از چهره‌های درخشان نقاشی لاک‌ی دوره زندیه و اوایل قاجاریه محسوب می‌شود. وی فرزند محمد علی، نقاش باشی دربار نادرشاه بود. او نیز در رقم و امضای خود از نام استادش علی اشرف بهره گرفته است: «باقر از لطف علی اشرف شد» که هم مفهوم مذهبی دارد و هم به زنجیره استاد-شاگردی وی در نزد علی اشرف اشاره می‌کند. از آقا باقر، آثار زیادی در نقاشی لاک‌ی و غیره باقی مانده که در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی و مرقعات نگهداری می‌شود.

شاگرد دیگر علی اشرف، از استادان نامدار نقاشی لاک‌ی و رنگ روغن نیمه دوم سده دوازدهم هجری و اوایل دوره قاجار است یعنی آقا صادق و یا محمد صادق. رقم او نیز دربردارنده ابهام و مفهوم دوگانه است: «صادق از لطف علی اشرف شد» که مفهوم



تصویر ۱۰- جلد ۱ نسخه خطی، کار علی اشرف، با رقم «رقم کمترین علی اشرف ۱۱۶۸»، مجموعه ناصر خلیلی، لندن.

تصویر ۹- قاب آینه، کار علی اشرف، با رقم «ز بعد محمد علی اشرف است»، مجموعه ناصر خلیلی، لندن.

تصویر ۸- پشت قاب آینه، به شیوه علی اشرف، مجموعه ناصر خلیلی، لندن.

نتیجه

بار دیگر گرفتار شوریدگی و آشفتگی می‌گردد (۱۱ جمادی الثانی ۱۱۶۰). خانان قدرت طلب به هم برمی‌آیند و آتش هنگامه را دامن می‌زنند. کریم خان، یکی از این خانان، برای مدتی بدخواهان را کنار می‌زند و با علم کردن شاه اسماعیل سوم از خاندان صفوی بر اریکه سلطنت تکیه می‌کند (۱۱۷۹ هـ.). و تا ۱۳ صفر ۱۱۹۳ در شیراز با آرامشی نسبی حکومت می‌راند. پس از مرگ او، بازماندگانش قوت و استخوانی می‌گیرند و برای کسب قدرت دست می‌جنبانند و به جان هم می‌افتند. اما مدعی دیگر، آقا محمدخان، که نمک پرورده دستگاه کریمخانی است، عرصه را بر آنها تنگ می‌کند و به قوت ایل قاجار قلاب القدر می‌شود و تمامی مدعیان را از سرراه خود کنار می‌زند و در سال ۱۲۰۰ هجری، با اعلام تهران به پایتختی، رسماً تاج‌گذاری و سلطنت قاجار را وارد صحنه می‌کند.

در چنین شرایطی است که علی اشرف زندگی می‌کند و غریبیدن ابرهای آسمان و گرما و سرمای روزگار را به جان و دل، حس و تجربه می‌کند. از بعضی اشارات پیداست که او پس از برافتادن صفویان، به اردوی نادر می‌پیوندد و همراه بعضی از هنرمندان و پی سپاران خود همچون محمدهادی، محمدصادق و محمدباقر، مرقع هنرمندانه‌ای برای میرزا مهدی خان استرآبادی که از هنرپروران دستگاه نادری است، ترتیب می‌دهد و بعید نیست اینکار، با کمک و یاری محمدعلی بن ابدال بیک نقاش باشی، استاد او صورت گرفته باشد. پس از برافتادن نادر در سال ۱۱۶۰ هجری و آغاز اردوکنشی‌های کریم خان به نواحی مختلف، در آذربایجان خانان طایفه دنبلی بین محمدحسن قاجار و کریمخان، طرف قاجارها را می‌گیرند جز یکی از آنها یعنی احمد بیک دنبلی. کریمخان از برای قدردانی، احمد بیک دنبلی را به لقب خانی ملقب می‌سازد و حکومت ایالت خوی را به او واگذار می‌کند. این واقعه در حوالی سال ۱۱۶۴ هجری رخ می‌دهد. اگر گفته کریم‌زاده تبریزی را بپذیریم که علی اشرف مدتی را در نزد احمدخان حاکم خوی گذرانده، می‌باید در همین سال‌ها بوده باشد که چندی را به سرزمین آبا و اجدادی خود سفر می‌کند و در نزد احمدخان که از قرار معلوم، ادب‌پرور و هنردوست هم بوده، مقرب می‌شود. بنظر می‌رسد که علی اشرف بعدها به اصفهان برمی‌گردد و بعید نیست که به شیراز نزد کریمخان زند رفته باشد چون منابع از حضور شاگردان او همچون آقاصادق و آقاباقر در دستگاه کریم‌خانی صحبت کرده‌اند. از تواریخ موجود در آثار علی اشرف پیداست که وی تا دهه ۱۱۷۰ هجری فعالیت هنری داشته است. بعید نیست که وی در اوایل سده سیزدهم هجری (۱۲۰۲ هـ.) رخ در نقاب خاک کشیده باشد.

علی اشرف را می‌توان نقاش گنجینه‌های لاک‌ی - از قلمدان تا جعبه و از قاب آینه تا جلد - نامید. آثار بازمانده از علی اشرف، بیشتر شامل قلمدان نگاری، قاب آینه و جعبه و جلدآرایی است. پیداست که علی اشرف، به گل و مرغ و زیبایی‌های طبیعت علاقه ویژه‌ای داشته و در بیشتر آثارش، طبیعت سرشار از شور زندگی و شادابی را

علی اشرف، نقاش برجسته آثار لاک‌ی، از طایفه افشار اورمیه بود که تقریباً در اواخر دهه دوم سده دوازدهم هجری چشم به جهان می‌گشاید. بنظر می‌رسد که خانواده او از خانواده‌های هنرمند و با هنردوست بوده باشد چون دست کم به غیر از علی اشرف، دو نفر دیگر را نیز می‌شناسیم که از این خانواده در فن نقاشی، توانایی شگرفی از خود نشان داده‌اند. یکی برادر اشرف (مسلماً برادر کهنتر او)، اللهوردی است که در نزد عباس میرزا در آذربایجان به خدمت می‌پردازد و به نقاشی از او و اطرافیان وی مشغول می‌شود و حاصل قلم‌موی او، تابلویی است از عباس میرزا که او را به حالت ایستاده و در کمال وقار و زیبایی نقاشی کرده است. دومین شخصیت هنرمند خانواده علی اشرف، آقا ابوالحسن نقاش باشی افشارارموی است که از نقاشان یگه باش روزگار قاجار برشمرده می‌شود.

بهر تقدیر، علی اشرف در چنین خانواده هنرپروری به دنیا می‌آید و پیداست پس از گذراندن تعالیم اولیه و دوران کودکی، به اصفهان می‌رود و در آنجا تحت نظری از نقاشان دربار - محمدعلی بن ابدال بیک - تعلیم می‌بیند و آنچه مسلم است، وی در سال ۱۱۴۴ هجری در اصفهان حضور داشته و همراه احمد نیریزی، خطاط باشی دربار شاه سلطان حسین، قلمدانی را به حلیه نقاشی آراسته و خطوط آن را نیز احمد نیریزی نوشته است.

از سال ۱۱۳۵ هجری به بعد، زمانه آشفتگی و بیقراری اصفهان شروع می‌شود. شماری از افغانه به سرداری محمود افغان، اصفهان را به حصار می‌کشند و پیش‌درآمدی برای فقر و بدبختی اصفهانیان می‌شوند. نتیجه محاصره اصفهان، فروپاشی قدرت صفوی است (سال ۱۱۳۵ هـ.). چنانچه پایگاه‌های اجتماعی تختگاه آنها تکان می‌خورد و کشتار و مرگ هزاران نفر از اهالی را در پی می‌آورد. محمود افغان و پس از او اشرف افغان، چندی بر اسب مراد سوار می‌شوند و ایران را جولانگاه دگرگونی قدرت سیاسی می‌کنند. پس از مرگ شاه سلطان حسین، فرزند او شاه تهماسب دوم، ادعای سلطنت می‌کند ولی نه قدرت نظامی در اختیار دارد و نه توش و توان روحی و مردانگی. در چنین شرایط آشفتگی و واریختگی سیاسی، مردی از طایفه افشار ابیورد خراسان، نادر، پا به میدان می‌گذارد و صحنه را برمی‌گرداند. نخست به نام شاه تهماسب دوم شمشیر می‌زند و اوضاع را بسامان می‌کند، افغانه را از صحنه می‌راند و خراسان را به آرامشی نسبی می‌رساند و سپس عثمانیان را در غرب ایران فرومی‌کوبد و مرزهای ایران را به مرزهای طبیعی دوران اقتدار صفویان می‌رساند. نادر، از همان سال‌های نخستین فعالیت نظامی خود متوجه می‌شود که دیگر از بازماندگان صفوی، شاه تهماسب دوم، چه به لحاظ اقتدار و چه از حیث اعتبار، آبی گرم نمی‌شود. از این رو، خاندان صفوی را از قدرت خلع ید می‌کند و خود بر اریکه سلطنت تکیه می‌زند (۱۱۴۸ هـ.) و بر همین بنیاد، چندی را به مسند قدرت می‌نشیند، اما چندی بعد قربانی یکی از دسایس درباریان خود می‌شود و از تخت به تابوت می‌افتد و ایران،

قاب‌های آینه‌ها و نیز جلدآرایی‌هایش، نمودی از جهان طبیعی و طبیعت مصفاست که از زیر موج خیال‌پردازی رمانتیک‌وار وی سر برآورده است و می‌توان آنها را نگاره‌هایی دانست که به جای روی کاغذ، بر روی قلمدان‌ها و قاب آینه‌ها و جلد‌ها اجرا شده است.

مجسم کرده و دریاچه زیبایی‌های طبیعت را به روی بیننده گشوده است. او در تذهیب و ترصیع و تشعیر و حل‌کاری و مرغش‌سازی و روغن‌آرایی مهارتی تام داشته و تمامی این هنرها را در آثار خود بکار گرفته است. در حقیقت قلمدان‌نگاری‌های و نقش‌پردازی‌های

پی‌نوشت‌ها

عبدالرزاق دنبلی (۱۳۴۹)، *تجربه الاحرار و تسلیه الابار*، تصحیح عبدالرسول خیامپور، تبریز.

کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۶)، *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران*، جلد ۲، مستوفی، تهران

گلستانه (۱۳۵۶)، *مجموعه التواریخ*، تصحیح مدرس رضوی، دانشگاه تهران، تهران.

مستوفی غفاری (۱۳۶۹)، *گلشن مراد*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، زرین، تهران

میرزا مهدی‌خان استرآبادی (۱۳۶۸)، *تاریخ عالم آرای نادری*، دنیای کتاب، تهران.

Canby, Sh (1993), *Persian Painting*, British Museum, London

Diba, L (1989), *Persian Painting in the eighteenth century*, *Muqarnas*, PP. 147-160.

Diba, L (1999), *Persian Royal Painting*, Tauris, London - New York.

Grek Akimushkin Ivanov (1962), *Album of Indian and Persian Miniature*, Sirocco, Moscow.

Robinson, B (1993), *Studies in Persian Art*, Vol. II, Oxford University, London.

Texier (1852), *Description de L'Armenie...*, Paris.

1 John Pope Hennessy.

2 Godman.

فهرست منابع

آدامووا (۱۳۸۶)، *نگاره‌های ایرانی گنجینه ارمیتاژ*، ترجمه زهره فیضی، فرهنگستان هنر، تهران.

آژند، یعقوب (۱۳۸۹)، *نگارگری ایرانی*، جلد ۲، سمت، تهران.

اعتمادالسلطنه (۱۳۶۳)، *المآثر والآثار*، چاپ ایرج افشار، اساطیر، تهران.

بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، *احوال و آثار خوشنویسان*، جلد ۲، اساطیر، تهران.

بیگدلی، آذر (۱۳۷۸)، *آتشکده آذر*، چاپ میرهاشم محدث، امیرکبیر.

دیبا، لیلیا (۱۳۷۴)، «نقاشی زیر لاک» در فریه، *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز

مرزبان، فرزانه روز، تهران.

رابی، جولیان (۱۳۸۶)، *آثار لاک*، ترجمه سودابه رفیعی سخایی، کارنگ، تهران

رایینسن (۱۳۷۹)، *اوج‌های درخشان هنر ایران*، ترجمه پاکباز و عبدالهی،

آگه، تهران.

ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۵۶)، *تاریخ کاشان*، چاپ ایرج افشار، امیرکبیر،

تهران.